



اصول حاکم در سیاست خارجی و تعامل با دیگران از دیدگاه قرآن

علی اکبر عالمیان

یکی از مسائل مهمی که می‌توان با نگاهی به آیه‌های الاهی بدان دست یافت، اصول حاکم در سیاست خارجی و تعامل با دیگران است.
خداآوند متعال؛ اصول، قوانین و بایسته‌های گوناگونی را درباره تعامل با بیگانگان وضع کرده است که مقاله حاضر به این مهم می‌پردازد.

اشارة

۱- إِلَّا الَّذِينَ يَصْلُوْنَ إِلَى قَوْمٍ يَيْتَكُمْ وَبِئْهُمْ مِيشَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرٌ
صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُواْ قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لِسَلطَهُمْ عَلَيْكُمْ
فَلَقَاتُوكُمْ فَإِنْ اعْتَرَفُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوْمُ إِلَيْكُمُ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ
اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا مَمَّا كَهْ بَهْ سَمَا مَيْانَ شَمَا، پیمان
بسته‌اند؛ یا آن‌ها که به سوی شما می‌آیند، از پیکار با شما، یا
پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند، و نه
توانایی مبارزه با قوم خود) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما
سلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کاره‌گیری
کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کرند، خداوند به

آیا اصل معاهده با بیگانگان مورد قبول است؟

روابط جامعه اسلامی با جوامع دیگر در چارچوب اصول اعتقادی
و نوع تعاملات آنان تنظیم می‌شود. از این رو احکام متفاوتی برای
معاهدات با دیگران و بیگانگان در آموزه‌های وحیانی بیان شده است.
بر اساس آیه‌هایی از قرآن، معاهده و پیمان همکاری و یا ترک
مخاصله بستن حتی با جوامع کافر و غیرمسلمان، جائز از نظر حکم
نکلیفی و صحیح از نظر وضعی است، آیه‌های ذیل بر این مدعای
دلالت دارند:

کوتاهی نمی‌کند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و رحمت باشید. (شانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) اشان آشکار شده؛ و آن چه در دل هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راههای پیش‌گیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!“

۲- اصل حفظ عزت و عظمت اسلام و مسلمین

حفظ عزت و عظمت اسلام و مسلمین، از دیگر اصول مهم قرآنی در سیاست خارجی و تعامل با بیگانگان است. برخی از آیاتی که به این اصل مهم اشاره دارند، از این قرارند:

۱-۲- **الَّذِينَ يَتَّخِلُونَ الْكَافِرِينَ أُولَئِكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَهُمْ عِنْهُمْ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا:** همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و ایرو نزد آنان می‌جویند؟ با این که همه عزت‌ها از آن خداست؟!

۲-۲- **وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكُنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ:** عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند!

۳-۲- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَمْنَوْا مِنْ بَرَّتَدَ مُنْكَمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُجْهِمُهُمْ وَيُجْبِوْهُمْ أَذْلَلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَا إِنْ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ غَلِيمٌ:** ای کسانی که ایمان اورده‌اید! هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [این] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند.

۳- اصل دعوت

یکی دیگر از اصول سیاست خارجی در قرآن، اصل دعوت است. در بسیاری از آیه‌های قرآن، دعوت به خیر و رحمت و اصلاح و تزکیه از مهم‌ترین وظایف پیامبر دانسته شده است؛ از جمله:

۱-۳- **لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُ مِنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ:** به یقین، رسولی از خود شما به سویتان امد که رنج‌های شما بر او ساخته است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است!“

۲-۳- **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَيِّسًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًّا إِلَى اللَّهِ يَأْذِيهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا:** ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذرکننده و تو را دعوت کننده به سوی

خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش!“

۳-۳- **كَمَا أَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولاً مُنْكَمْ يَتَّلَوْ عَلَيْكُمْ أَيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَالُمَّا تَكُونُوا لَمُؤْمِنُونَ:** همان‌گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما

شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید.

۲-۱- **وَإِنْ نَكُشُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَغَوْا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوهُمْ أَلَّمَّا الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يَأْمَنُنَّ لَهُمْ لَئِنْهُمْ يَتَّهَمُونَ:** و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آن‌ها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند!

۳- **وَإِنْ جَنَحُوا لِلَّسْلَمِ فَأَخْرُجْ لَهَا وَتَوَكِّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْتَّلِيمُ:** اگر دشمنان قصد تجاوز ندارند و مایل به صلح شدند تو هم ای پیغمبر- صلح و سازش را برگزین و بر خدا توکل و اعتماد کن.

این آیه‌ها و بسیاری از آیه‌های دیگر نشان می‌دهند که از دید اسلام، همه پیمان‌های بین‌المللی تا هنگامی که دیگران آن را نقض نکنند، محترم هستند. در صورت هرگونه نقض مفاد پیمان، معاهده از سوی جامعه اسلامی ابطال و از اعتبار ساقط می‌شود.

اصول حاکم در سیاست خارجی و تعامل با دیگران

می‌توان با مراجمه به آیه‌های گوناگون قرآن کریم به کلیاتی درباره اصول حاکم در سیاست خارجی و تعامل با دیگران دست یافت. این کلیات از این قرارند:

۱- اصل نفی سبیل

اصل نفی سبیل یکی از مهم‌ترین اصول سیاسی در سیاست خارجی و تعامل با بیگانگان به شمار می‌آید که خداوند متعال در آیه‌های گوناگون به آن پرداخته است.

برخی آیات که بر این نکته تاکید دارند از این قرارند:

۱-۱- **وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا:** خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

۱-۲- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَمْنَوْا لَا تَنْجُحُوا لَا تَنْجُحُوا الَّذِينَ أَتَحْدُوا دِينَكُمْ هُرُزُوا وَلَبِّا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَلِيلِكُمْ وَالْكُفَّارُ أَوْلَيَاءُهُ وَأَنَّقُوا اللَّهُ إِنْ كَتَمْ مُؤْمِنِينَ:** ای کسانی که ایمان اورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنند و از خدا پیرهیزید اگر ایمان دارید!“

۱-۳- **وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلَيَاءُهُ بَعْضٌ لَا تَنْقُلوهُ تَكُنْ فِتْنَهُ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادُ كَبِيرٌ:** کسانی که کافر شدند، اولیا (و یاوران و مدافعان) یکدیگرنده؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد.

۱-۴- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَمْنَوْا لَا تَنْجُحُوا بِطَائِهَ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ حَبَالًا وَلَوْا مَا عَتَّشُمْ قَدْ بَدَثَ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كَتَمْ تَقْلِيلُونَ:** ای کسانی که ایمان اورده‌اید! محروم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هیچ گونه شر و فسادی در باره شما،



یکی از پایه‌های سیاست خارجی اسلام کوشش در استقرار صلح و سازش و ایجاد امنیت عمومی و جهانی است. صلح محور بودن روابط خارجی اسلام، واقعیتی است که می‌توان در آیه‌های گوناگون به آن پی برد:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.»

سست نشود و (دشمنان را) به صلح (ذلتبار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند.^{۲۰}

مهم‌ترین موردی که در قرآن درباره اصل صلح در روابط با دیگران بدان اشاره شده، صلح حبیبی است. مفاد صلح‌نامه که پیروزی بزرگ اسلام به شمار می‌آمد این گونه بود:

۱- ده سال جنگ متوقف شده مردم در امنیت باشند و هیچ‌گونه سرقت پنهانی و یا خیانت صورت نگیرد.

۲- هر طایفه و قبیله‌ای مایل باشند می‌توانند با محمد(ص) یا با قریش همپیمان باشند.

۳- اگر کسی از اصحاب محمد(ص) به سوی قریش بازگردد، به سوی محمد(ص) بازگردانده نمی‌شود، اما اگر کسی بدون اجازه ولی خود نزد محمد(ص) رفت، باید به مکه بازگردانده شود.

۴- محمد(ص) و اصحابش آن سال را به مدینه بازگردند و سال آینده می‌توانند برای سه روز در مکه بمانند و جز سلاح مسافر، سلاح دیگری همراه نخواهند داشت و آن شمشیر غلاف شده است.^{۲۱}

ایه‌های قرآن برای این صلح بزرگ، ویژگی‌های مهمی را بیان می‌کند:

۱- پیروزی بزرگ: إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتَحًا مُّبِينًا: ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم.^{۲۲}

۲- جلوه‌ای از حکمت و عزت خداوند: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ كَيْنَةً عَلَيْهِمْ وَأَنَّهُمْ فَتَحَّا قَرِيبًا وَمَقْبَلًا كَثِيرًا يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا: خداوند از مؤمنانی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردن راضی و خشنود شد، خدا آن‌جهه را در درون قلب آن‌ها [از صداقت و ایمان] نهفته بود می‌دانست، از این رو آرامش را بر دلهای آن‌ها نازل کرد و فتح نزدیکی، به عنوان پاداش، نصیب آن‌ها فرمود و غنائم بسیاری که آن را به دست می‌آورند، و خداوند عزیز و حکیم است.^{۲۳}

کامل کردیم، رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کن؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آن‌چه را نمی‌دانستید، به شما بیاد دهد.^{۲۴}

۳-۴- رُسُلاً مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِّرِينَ لَأَلَا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّؤْسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا: پیامبرانی که بشارت‌هند و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (وبر همه اتمام حجت شود) و خداوند، توانا و حکیم است.^{۲۵}

۵-۶- مَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضْلُلُ عَلَيْهَا وَلَا تَرِزُّ وَلَا زِرُّ وَلَا أَخْرَى وَمَا كَانَ مُعْذِنِينَ حَتَّى نَبَتَ رَسُولًا: هر کس هدایت شود برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس باز گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ و ما هرگز (قومی را) محاذات نخواهیم کرد، مگر آن که پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).^{۲۶}

۷-۸- وَلَنْ تَرْضِيَ عَنْكَ الْيُهُودُ وَلَا الظَّاهِرَى حَتَّى تَتَبَعَّ مِلَّهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعُتُ أَهْوَاهُهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلَىٰ وَلَا تَنْسِيرٌ: هرگز بهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر این که از کیش آنان پیروی کنی. بگو: «در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است»، و چنان‌چه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز هوس‌های آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یاوری نخواهی داشت.^{۲۷}

۴- اصل صلح

یکی دیگر از اصول مهم در روابط خارجی و تعامل با دیگران، اصل صلح‌طلبی است. یکی از پایه‌های سیاست خارجی اسلام کوشش در استقرار صلح و سازش و ایجاد امنیت عمومی و جهانی است. صلح محور بودن روابط خارجی اسلام، واقعیتی است که می‌توان در آیه‌های گوناگون به آن پی برد، برخی از این آیه‌ها از این قرارند:

۹- ۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتُوكُمُ الْأَذْلَوْلَ فِي السُّلْطَنِ كَافِهٌ وَلَا تَتَّبِعُو خُطُوطَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَذُولٌ مُّبِينٌ: ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.^{۲۸}

۱۰- ۲- وَإِنْ جَتَحُوا لِسَلْطُنٍ فَاجْتَحْ لَهَا وَتَوَكُّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ: اگر دشمنان قصد تجاوز ندارند و مایل به صلح شدن، تو هم ای پیغمبر- صلح و سازش را برگزین و بر خدا توکل و اعتماد کن.^{۲۹}

۱۱- ۳- وَإِنْ طَائِقْتُمْ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ افْتَنَتُمُوا فَأَفْتَنُهُمْ وَأَفْتَنْهُمْ مَا فَلَنْ بَعْثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأَخْرَى فَقَاتَلُوا التَّيْمَنَ تَعْنِي حَتَّىٰ تَقْيَءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَلَنْ فَأَفَتُ فَأَضْلِلُهُمْ وَيَنْهَا مَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يَحُبُ الْمُقْسِطِينَ: دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازنده، آن‌ها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ هرگاه بازگست (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.^{۳۰} البته صلح مورد نظر اسلام باید با عزت باشند: لَا تَهْنُو وَتَدْعُوا إِلَى السُّلْطُنِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنُ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكْمُ أَنْعَمَالَكُمْ: پس هرگز



برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم! غرض این بود که خداوند گناهان گذشته و آیندهای را که به تو نسبت می‌دانند ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند.^{۱۴}

۵- اصل جهاد

خداوند همان گونه که بر اصل صلح تاکید می‌ورزد برا صل جهاد با دشمنان تاکید فراوان دارد. آیه‌های بسیاری از قرآن بر این اصل تاکید دارند؛ از جمله:

۱-۵- أَذْنِ اللَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لقیدر؛ خداوند به کسانی که از طرف دشمنان بر آن‌ها جنگ تحمیل شده است اجازه جهاد داده است، چرا که آن‌ها مورد ستم قرار گرفته‌اند و خداوند قدرت یاری کردن آن‌ها را داراست.^{۱۵}

۲-۵- وَقَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ؛ با کسانی که با شما می‌جنگند در راه خدا پیکار کید.^{۱۶}

۳-۵- يَا أَيُّهَا الَّذِي جَاهَ الدُّجَاهَ وَالْمُفَاقِينَ وَأَغْلَظَ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و در برابر آن‌ها روش سخت و خشن در پیش گیر.^{۱۷}

۴-۵- وَقَاتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الَّذِينَ كُلُّهُمْ فَإِنْ اتَّهَمُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَمَا يَعْمَلُونَ تَصِيرُ؛ وَإِنْ هَا پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود و دین (پرسشی) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آن‌ها (از راه شرک و فساد بازگردند، و از اعمال نادرست (خودداری کنند، (خداوند آن‌ها را می‌پذیرد؛) خدا به آن چه انجام می‌دهند بیناست.^{۱۸}

۵-۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَمْنَوْا فَاتَّلُوا الَّذِينَ يُلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلَيَجِدُوا فِيهِمْ غُلَظَةً وَأَغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُقْرِنِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کفارانی که به شما نزدیک ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل

۳- صیانت از مسلمانان: هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ المسجد الحرام والقدی مغکوفاً أَنْ يَتَلَقَّ مَحْلُهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطْوِهُمْ فَتَصْبِيَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةً بِغَيْرِ عِلْمٍ لَيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مِنْ يَشَاءُ: آن‌ها کسانی هستند که کافر شدند و شما را (زیارت) مسجد الحرام بازداشتند و از رسیدن قربانی‌های شما به محل قربانگاه مانع گشتدند و هرگاه مردان و زنان بایمانی در این میان بدون آگاهی شما زیر دست و پا از بین نمی‌رفتند و از این راه عیب و عاری ناگاهانه به شما نمی‌رسید (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد) هدف این بود که خدا هر کس را می‌خواهد در رحمت خود وارد سازد...^{۱۹}

وَهُوَ الَّذِي كَفَ أَيْدِيهِمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِيَطْنَ مَكَةَ مِنْ بَعْدِهِنَّ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ؛ او کسی است که دست آن‌ها را ز شما و دست شما را از آن‌ها در دل مکه کوتاه کرده، بعد از آن که شما را برابر آن‌ها بیرون ساخت...^{۲۰}

۴- آرامش بر قلب مؤمنان: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَرْزَكُهُمْ إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ او کسی است که سکینه و آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان افزوده شود...^{۲۱}

۵- آمرزش گناهان: لَيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْنِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْرًا عَظِيمًا: هدف (دیگر از آن فتح میان) این بود که مردان و زنان بایمان را در باغ‌هایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می‌ماند، و گناهانشان را می‌بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است.^{۲۲}

۶- انعام نعمت الاهی: لَيَقْرَأَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ دُنْيَكَ وَمَا تَأْخَرَ وَمَنِيمَ عَمَّا عَلَيْكَ وَمَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا: ما



همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.^{۲۹}

۷- اصل استقامت و پایداری بر اصول

یک دیگر از مسائلی که مورد نهی شدید قرآن قرار گرفته، سازش با دشمنان است. بر همین اساس می‌توان یکی از مهم‌ترین اصول تعامل با بیگانگان را سازش‌نایابی و پایداری بر اصول دانست:

۷-۱- وَلَا تَرْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أُولَيَاءِ ثُمَّ لَا تُتَصْرُونَ: و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شود.^{۳۰}

۷-۲- وَكَيْنَ مِنْ نَّيَّرَ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِيعُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَفَعُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ: چه بسیار پیامبرانی که مردان اله‌ی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ گاه در برابر آن چه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسليم ندادند); و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.^{۳۱}

۷-۳- وَ لَا تَئْهُوا وَ لَا تَخْرُوا وَ اشْمُ الْأَثْلَوْنَ اَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: اگر مؤمنیک، سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید.^{۳۲}

۷-۴- وَ لَا تَهْنُو فِي اِتِّياعِ الْقَوْمِ اَنْ تُكُوْنُوا تَالِمُونَ فَإِنَّهُمْ يَالِمُونَ کَمَا تَالِمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا: در تقيیب آن گروه دشمنان سستی نورزید. اگر شما درد می‌کشید آنان که شما چیزهایی از خدامید دارید که آنان ندارند و خدا همواره دنای سنجیده کار است.^{۳۳}

۷-۵- يَا أَيُّهَا الَّذِيْ حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ اِنْ يَكُنْ مِنْکُمْ عَشْرُونَ ضَلَّلُوْنَ يَغْلِبُوْنَ مَائِيْنَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْکُمْ مَائِيْةً يَغْلِبُوْنَ الْفَالِيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاِنْهُمْ قَوْمٌ لَا يَقْهِنُونَ. اَنَ حَفَّ اللَّهُ عَنْکُمْ وَعَلِمَ اَنَ فَيَكُمْ ضَعْفًا فَإِنَّ يَكُنْ مِنْکُمْ مَائِيْةً صَابِرَةً يَغْلِبُوْنَ مَائِيْنَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْکُمْ اَنْ يَتَّلِئُوْنَ بِاِنْهُمْ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌شوند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند هم‌کنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعیی هست؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد؛ و خدا با صابران است!^{۳۴}

۷-۶- اِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ سُوْهُمْ وَإِنْ تُصِنِّكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرُحُوا بِهَا وَإِنْ تَصِرُّوْا وَتَسْقُّوا لَا يَتُرْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا اِنَّ اللَّهَ يَمَا يَنْقُلُونَ مُحِيطُ: اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شمارخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما) اگر (در برابر شان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خانانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رسانند؛ خداوند به آن چه انجام می‌دهند، احاطه دارد.^{۳۵}

نکند) آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.^{۳۶}

۵-۶- اِنْفُرُوا حَفَافًا وَقَالًا وَجَاهِدُوا بِاِمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ دَلِيْلَکُمْ خَيْرٌ لَکُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَقْلُمُونَ: (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین باز؛ و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید!^{۳۷}

۶- اصل اعتماد نکردن به دشمن

اعتماد نکردن به دشمن، از اصول مهم دیگری است که باید در روابط سیاسی و تعامل با آنان مد نظر قرار گیرد.

۶-۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْخَدُوا بَطَالَةً مِنْ دُونِکُمْ لَا يَأْلُونَکُمْ خَيْلًا وَدُوَامًا مَاعِتَمْ قَدْ بَدَتُ الْعُضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُحْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيْسَ الْكُمْ الْآيَاتِ اِنْ كُنْتُمْ تَقْلُمُونَ: ای کسانی که ایمان اورده‌اید! محروم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید! آن‌ها از هیچ گونه شر و فسادی درباره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آن‌چه در دل هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راههای پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.

۶-۲- وَلَا تَرْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أُولَيَاءِ ثُمَّ لَا تُتَصْرُونَ: و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شود.^{۳۸}

۶-۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْخَدُوا الْكَافِرِيْنَ أُولَيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ اُتْرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا إِلَيْكُمْ سُلْطَانًا مِيْنَا: ای کسانی که ایمان اورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (یا این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!

۶-۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرْدُوكُمْ عَلَى أَعْقَالِكُمْ فَتَنْقَبُوا خَاسِرِيْنَ: ای کسانی که ایمان اورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشتۀ‌هایتان بازمی‌گرداند؛ و سرانجام زیانی کار خواهید شد.^{۳۹}

۶-۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنْ الَّذِينَ اُتُوا الْكِتَابَ يَرْدُوكُمْ بِمَذَدِ إِيْنِيْكُمْ كَفَرِيْنَ: ای کسانی که ایمان اورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب (که کارشان نفاق افکنی و شعله‌ورساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان به کفر باز می‌گردانند.^{۴۰}

۶-۶- هَالَّتِمْ أَلَا تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا أَمَنَّا وَإِذَا خَلُوا عَصُوا عَلَيْكُمُ الْأَمَلِ مِنْ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْنِتاً بِعَيْنِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَنَاتِ الصُّدُورِ: شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست ندارند! در حالی که شما دوست ندارید؛ اما آن‌ها شما را ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان اورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به ندان می‌گزند! بگو: «با

بیمان شکن نبرد نمی کنید؟^{۵۷}
۴- آیه‌ایی که بر لزوم پاییندی به پیمان با دشمن تاکید دارند:

۱-۴- إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عَنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا لَكُمْ فَأَسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحْبُّ الْمُتَقْبِلِينَ: مگر با آنان که در نزدیکی مسجدالحرام پیمان بستید تا آنان به پیمان خود وفادارند، شما نیز وفادار باشید. همانا خداوند پرهیزکاران را دوست می دارد.^{۵۸}

۲-۴- وَ إِنَّ أَخْدُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاجْرُهُ حَتَّى يَشْمَعَ كَالَّمَ ثُمَّ أَلْغَهُ مَأْمَةً: هرگاه مشرکی امان بخواهد تا سخن خدا را بشنوید، به او امان بده تا کلام الاهی را گوش کند، آن گاه او را به جایگاه خود بازگردان.

۳-۴- إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَخْدًا فَاتَّمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدْتَهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَقْبِلِينَ: اگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از تعهدات خود نسبت به شما فروگذار نکرده و کسی را ضد شما پشتیبانی نکرده‌اند، پس پیمان اینان را تا [پایان امتشان تمام کنید؛ چرا که خدا پرهیزکاران را دوست دارد.^{۵۹}

از مسائلی که مورد نهی شدید قرآن قرار گرفته، سازش با دشمنان است. بر همین اساس می‌توان یکی از مهم‌ترین اصول تعامل با بیکانگان را سازش‌ناپذیری و پایداری بر اصول دانست.

أصول و فنون مناظره و گفت و گو با بیکانگان

اصل گفت و گو، مناظره و مذاکره یکی از اصولی است که قرآن بر آن تاکید دارد. خداوند در این باره تاکید می‌کند که: **وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابَ إِلَّا بِالْتِقْرَبَةِ** هیچ‌گزین **إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ** و قولوا آمّا بالذی اتَّزَلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحْدُ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُون: و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند و بگویید به آن چه به سوی ما نازل شده و [آن چه] به سوی شما نازل گردیده ایمان اوردیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسليم اوییم.^{۶۰}

این اصل که با عنوان اصل احتجاج نیز از آن یاد می‌شود، در آیه‌ای گوناگون قرآن مورد اشاره قرار گرفته است:

۸- اصل وفای به عهد و پاییندی به پیمان‌های سیاسی

از جمله اصول بسیار مهم در سیاست خارجی و تعامل با دیگران، التزام به پیمان‌های سیاسی است. هنگامی که دولت اسلامی با رعایت اصول هفت گانه گفته شده، با بیگانگان پیمانی بست، باید به آن پای بند باشد. آیه‌ایی که به این اصل مهم اشاره دارد، چهار دسته هستند:

۱-۸- آیه‌ایی که توصیه اکیدی به وفای به عهد دارند:

۱-۱-۸- وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَكْرُمْ وَصَارِمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَنْكِرُونَ: به

عهد الاهی وفا کنید؛ این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش کرده است که پند گیرید.^{۶۱}

۲-۸- الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيَثَاقَ: (خردمدن) همانا که به پیمان خدا وفادارند و عهد او را نمی‌شکنند.

۳-۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْفُقُودَ: ای کسانی که

ایمان اورده‌اید! به عهد خود وفا کنید.^{۶۲}

۴-۸- وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ عَهْدَهُ: به

عهدش وفادارتر است.^{۶۳}

۵-۸- الْمُوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا: نیکوکاران کسانی

هستند که به عهد خود هنگامی که عهد بستند وفا می‌کنند.^{۶۴}

۶-۸- أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْؤُلًا: به پیمان خود

وفا کنید؛ زیرا از پیمان پرسش خواهد شد.^{۶۵}

۷-۸- وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَاهَدَهُمْ راغُونَ: مؤمنان

آنها هستند که امانت‌ها و عهد خود را مراتعات می‌کنند.^{۶۶}

۸-۸- فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ: خداوند هرگز پیمان شکنی نمی‌کند.^{۶۷}

۱-۲-۸- آیه‌ایی که به ملامت عهدشکنان می‌پردازد:

۱-۲-۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ تَتَّقُلُوْنَ مَا لَا تَتَّقَلُوْنَ كَبِيرَ مَقْتاً عَنَّدَ اللَّهِ أَنْ تَتَّقُلُوْنَ مَا لَا تَتَّقَلُوْنَ: ای کسانی که ایمان اورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام نهید.^{۶۸}

۲-۲-۸- الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي

كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَنْقُضُونَ: همان کسانی که با آنها پیمان بستی؛ سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند؛ و [از] پیمان شکنی و خیانت (پرهیز ندارند).^{۶۹}

۳-۸- آیه‌ایی که بر لزوم اقدام مقابل در برابر

پیمان شکنی طرف مقابل تاکید دارد:

۱-۳-۸- وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ تَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا إِثْمَةَ الْكُفَّارِ إِنَّهُمْ لَا يُمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَسْتَهِنُونَ: اگر آنان پیمان‌های خود را شکستند و در آینش شما طعن زندن، سران کفر را بکشید. برای آنان پیمانی نیست. شاید آنان بپرهیزن.^{۷۰}

۲-۳-۸- أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ: چرا با گروه



که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگاری از برای

شما آورده‌ام؛ پس بنی اسرائیل را بـا من بفرست!»^{۱۰}

۴- یوسف(ع): «بـا صـاحـبـی السـجـنـ آـرـبـابـ مـتـقـرـبـونـ خـيـرـ أـمـ اللهـ الـواـحـدـ الـقـهـارـ، مـا تـبـدـيـونـ مـنـ دـوـنـهـ إـلـاـ أـسـمـاءـ سـمـسـمـوـهـاـ أـشـمـ وـأـبـاهـ كـمـ مـاـ أـنـزـلـ اللهـ بـهـاـ مـنـ سـلـطـانـ إـنـ الحـكـمـ إـلـاـ اللهـ أـمـرـ أـمـغـبـوـلـ إـلـاـ إـيـاهـ ذـكـرـ الدـينـ الـقـيـمـ وـلـكـنـ أـكـثـرـ النـاسـ لـاـ يـعـلـمـونـ؛ إـنـ دـوـسـتـانـ زـنـدـانـ مـنـ! آـيـاـ خـدـاـيـانـ پـرـاـكـنـدـهـ بـهـتـرـنـدـ، بـاـ خـداـونـدـ يـكـتـایـ پـیـروـزـ؟! آـيـنـ مـعـوـهـدـهـاـیـ کـهـ غـيـرـ اـزـ خـدـاـ مـبـرـسـتـیدـ، چـیـزـیـ جـزـ اسمـهـاـیـ (بـیـسـمـاـ) کـهـ شـمـاـ وـپـرـدـانـتـ آـنـ هـارـاـ خـدـاـنـامـیدـهـاـیـدـ، نـیـسـتـ؛ خـداـونـدـ هـیـچـ دـلـیـلـیـ بـرـ آـنـ نـازـلـ نـکـرـدـ؛ حـکـمـ تـنـهـاـ اـزـ آـنـ خـدـاـسـتـ؛ فـرـمانـ دـادـ کـهـ غـيـرـ اـزـ اوـ رـاـنـپـرـسـتـیدـ! آـيـنـ اـسـتـ آـيـینـ پـاـبـرـجـاـ؛ ولـیـ بـیـشـ تـرـ مـرـدـ نـمـیـ دـانـدـ!»^{۱۱}

این اصل البته طبق نظر قرآن دارای روش‌های گوناگونی است که می‌توان این روش‌ها را چنین برشمرد:

۱- استدلای: نخست این که با استدلای و برهان باشد: «أـدـعـ إـلـىـ سـبـيلـ رـبـكـ بـالـحـكـمـةـ... بـاـ حـكـمـ وـانـدـرـ نـیـکـوـ، بـهـ رـاهـ پـرـوـرـدـگـارـ دـعـوتـ کـنـ!» برای نمونه می‌توان احتجاج حضرت موسی با فرعون را از این سخن دانست او به فرعون می‌گفت که اداره همه هستی به دست قدرتمند الاهی صورت می‌پذیرد: «رـبـاـ الـذـيـ أـعـطـيـ کـلـ شـئـ خـلـقـهـ ثـمـ هـدـیـ!»^{۱۲}

۲- مناظره‌ای: مناظره حضرت ابراهیم با نمرود و نیز بتپرسن، یکی از نمونه احتجاج‌های قرآنی است: «أـلـمـ تـرـ إـلـىـ الـذـيـ حـاجـ إـنـزـاـهـيـمـ فـيـ رـبـهـ إـنـ آـتـاهـ اللهـ الـمـلـكـ إـذـ قـالـ إـنـزـاـهـيـمـ رـبـيـ الـذـيـ يـعـصـيـ وـيـمـيـثـ قـالـ آـنـاـ أـخـيـ وـأـمـيـثـ قـالـ إـنـزـاـهـيـمـ فـيـانـ اللهـ يـاتـيـ بـالـشـمـسـ مـنـ الـمـشـرـقـ فـأـتـ بـهـاـ مـنـ الـمـغـرـبـ فـبـهـتـ الـذـيـ كـفـرـ وـالـهـ لـاـ يـهـدـيـ الـقـوـمـ الـظـالـمـيـنـ!» آـیـاـ نـدـیـدـیـ (وـآـکـاهـیـ نـدـارـیـ اـزـ) کـسـیـ (نـمـرـودـ) کـهـ باـ اـبـراـهـیـمـ دـبـارـهـ پـرـوـرـدـگـارـشـ مـحـاجـهـ وـعـقـدـ وـگـوـ کـرـدـ؟ زـیـراـ خـداـونـدـ بـهـ اوـ حـکـمـتـ دـادـ بـوـدـ؛ (وـ برـ اـثـرـ کـمـیـ ظـرفـیـتـ، اـزـ بـادـهـ غـرـرـ سـرـمـسـتـ شـدـهـ بـوـدـ؛) هـنـگـامـیـ کـهـ اـبـراـهـیـمـ گـفـتـ: «خـدـایـ منـ آـنـ کـسـیـ اـسـتـ کـهـ زـنـدـهـ مـیـ کـنـدـ وـ مـیـ مـیرـانـدـ!» اوـ گـفـتـ: «مـنـ نـیـزـ زـنـدـهـ مـیـ کـنـمـ وـ مـیـ مـیرـانـمـ!» (وـ برـ اـثـبـاتـ اـیـنـ کـارـ وـ مـشـتـیـهـ سـاخـنـ بـرـ مـرـدـ دـسـتـورـ دـادـ دـوـ زـنـدـانـیـ رـاـ حـاضـرـ کـرـدـنـ، فـرـمانـ آـرـادـیـ یـکـیـ وـ قـتلـ دـیـگـرـ رـاـ دـادـ) اـبـراـهـیـمـ گـفـتـ: خـداـونـدـ، خـوـرـشـیدـ رـاـزـ اـفـقـ مـشـرـقـ مـیـ اـوـرـدـ؛ (اـگـرـ رـاـسـتـ مـیـ گـوـیـیـ کـهـ حـاـکـمـ بـرـ جـهـانـ هـسـتـیـ توـیـیـ، خـوـرـشـیدـ رـاـزـ مـغـرـبـ بـیـاـوـرـ؛) (درـ اـبـنـ جـاـ) آـنـ مـرـدـ کـافـرـ، مـبـهـوتـ وـ وـامـنـدـهـ شـدـ. وـ خـداـونـدـ، قـومـ سـتـمـگـرـ رـاـ هـدـایـتـ نـمـیـ کـنـدـ.^{۱۳}

۳- جـدـالـ اـحـسـنـ

اسلام به رعایت ادب و دوری جستن از عناد و لجبازی و بـیـ عـقـتـیـ در سخن گـفـتنـ هـنـگـامـ دـعـوتـ کـرـدـنـ اـهـلـ کـتـابـ بـهـ تـوـحـيدـ وـ اـسـلـامـ تـاكـيدـ دـاردـ وـ اـزـ مـؤـمنـانـ مـیـ خـواـهـدـ بـاـ آـنـانـ جـزـ بـهـ نـیـکـوـتـرـیـنـ رـوـشـ مـحـاـدـلهـ نـکـنـدـ. دـوـ آـیـهـ قـرـآنـ بـمـطـوـرـ مشـخـصـ بـهـ اـیـنـ نـکـتـهـ اـشـارـهـ مـیـ کـنـدـ: اـدـعـ إـلـىـ سـبـيلـ رـبـكـ بـالـحـكـمـ وـالـمـؤـظـلـةـ الـحـسـنـةـ وـخـالـدـلـهـ بـالـتـیـ هـیـ أـخـسـنـ إـنـ رـبـکـ هـوـ أـغـلـمـ بـمـنـ ضـلـ عـنـ سـبـیـلـ وـهـوـ أـغـلـمـ بـالـمـهـمـتـیـنـ: باـ حـکـمـ وـانـدـرـ نـیـکـوـ، بـهـ رـاهـ پـرـوـرـدـگـارـ دـعـوتـ نـمـاـ! وـ باـ آـنـاـ بـهـ رـوـشـیـ کـهـ نـیـکـوـتـرـ اـسـتـ، اـسـتـدـلـاـ وـ مـنـاظـرـهـ کـنـ! پـرـوـرـدـگـارـ، اـزـ هـرـ کـسـیـ بـهـترـ مـیـ دـانـدـ چـهـ کـسـیـ اـزـ رـاهـ اوـ گـمـرـاهـ شـدـ اـسـتـ؛ وـ اوـ بـهـ

۱- نـوحـ(ع): «وـلـقـدـ أـرـسـلـنـا نـوـحـاـ إـلـىـ قـوـمـهـ إـنـیـ لـکـمـ نـذـیرـ مـبـیـنـ أـنـ لـأـ تـعـیـلـوـاـ إـلـىـ اللهـ إـنـیـ أـخـافـ عـلـیـکـمـ عـذـابـ يـوـمـ أـلـیـمـ؛ مـاـ نـوـحـ رـاـبـهـ سـوـیـ قـوـمـشـ فـرـسـتـادـیـمـ؛ (نـخـسـتـینـ بـارـ بـهـ آـنـهـاـ گـفـتـ): مـنـ بـرـایـ شـمـاـ بـیـمـدـهـنـدـهـاـیـ آـشـکـارـمـاـ جـزـ (الـلـهـ) (خـدـایـ یـکـانـهـ یـکـتاـ) رـاـنـپـرـسـتـیدـ؛ زـیـراـ بـرـ شـمـاـ اـزـ عـذـابـ رـوزـ رـدـنـدـکـیـ مـیـ تـرـسـمـ!»^{۱۴}

۲- صالحـ(ع): «إـلـىـ نـمـودـ أـخـاـهـمـ صـالـحـاـ قـالـ يـاـ قـوـمـ اـغـبـدـوـ اللهـ مـاـ لـکـمـ مـنـ إـلـهـ غـيرـهـ هـوـ أـشـاـکـمـ مـنـ الـأـرـضـ وـاـسـتـعـمـرـکـمـ فـیـهـاـ فـاـسـتـغـفـرـوـهـ مـمـ تـوـبـوـ إـلـىـهـ إـنـ رـبـیـ قـرـبـ مـحـبـ. قـالـ يـاـ صـالـحـ قـدـ كـتـ فـیـنـاـ مـرـحـوـاـ قـبـلـ هـذـاـ اـنـتـهـانـاـ اـنـ تـعـدـ مـاـ يـعـدـ اـبـاؤـنـاـ وـإـنـاـ لـفـیـ شـکـ مـمـاـ تـدـعـونـاـ إـلـیـهـ مـرـیـبـ. قـالـ يـاـ قـوـمـ أـرـأـتـمـ إـنـ کـنـتـ عـلـیـ بـیـتـهـ مـنـ رـبـیـ وـاتـائـیـ مـثـلـ رـحـمـهـ فـمـنـ يـتـصـرـنـیـ مـنـ اللهـ إـنـ عـصـيـتـهـ فـمـاـ تـرـبـیدـوـنـیـ غـیرـ تـحـسـیـرـ؛

وـ بـهـ سـوـیـ قـوـمـ (نـمـودـ)، بـرـادرـشـانـ (صـالـحـ) (فـرـسـتـادـیـمـ)؛ گـفـتـ: «إـیـ قـوـمـ مـنـ! خـداـ رـاـ پـرـسـتـشـ کـنـیدـ، کـهـ مـعـبـودـیـ جـزـ اوـ بـرـایـ شـمـاـ نـیـسـتـ! اوـسـتـ کـهـ شـمـاـ رـاـزـ زـمـینـ آـقـرـیدـ، وـ آـبـادـیـ آـنـ رـاـبـهـ شـمـاـ وـاـکـذاـشـتـ! اـزـ اوـ آـمـرـزـشـ بـطـلـبـیـدـ، سـپـسـ بـهـ سـوـیـ اوـ باـزـگـرـدـیدـ، کـهـ پـرـوـرـدـگـارـ (بـهـ بـندـگـانـ خـودـ) نـزـدـیـکـ، وـ اـجـابـ کـنـنـدـهـ (خـواـسـتـهـاـیـ آـنـهـاـ) اـسـتـ!» گـفـتـ: «إـیـ صـالـحـ! توـ پـیـشـ اـزـ اـیـنـ، مـایـهـ اـمـیدـ مـاـ بـوـدـیـ! آـیـاـ مـاـ رـاـزـ پـرـسـتـشـ آـنـ چـهـ پـدـانـمـانـ مـیـ پـرـسـتـیدـنـ، نـهـیـ مـیـ کـنـیـ؟! درـ حـالـیـ کـهـ مـاـ، درـ مـوـرـدـ آـنـ چـهـ بـهـ سـوـیـ آـنـ دـعـوـتـمـانـ مـیـ کـنـیـ، درـ شـکـ وـ تـرـدـیدـ هـسـتـیـمـ!» گـفـتـ: «إـیـ قـوـمـ! اـگـرـ مـنـ دـلـیـلـ آـشـکـارـیـ اـزـ پـرـوـرـدـگـارـ دـاشـتـهـ باـشـمـ، وـ رـحـمـتـیـ اـزـ جـانـبـ خـودـ بـهـ مـنـ دـادـ باـشـدـ، (مـیـ تـوـانـمـ اـبـلـاغـ رـسـالـتـ اوـ سـرـیـچـیـ کـنـمـ)!؟! اـگـرـ مـنـ نـافـرـمـانـیـ اوـ کـنـمـ، چـهـ کـسـیـ مـیـ تـوـانـدـ مـرـاـ درـ بـرـاـبـرـ وـیـ یـارـیـ دـهـدـ؟! پـسـ، (سـخـنـانـ) شـمـاـ، جـزـ اـطـمـیـنـانـ بـهـ زـیـانـ کـارـبـودـنـانـ، جـزـیـ بـرـ مـنـ نـمـیـ اـفـرـایـدـ!»^{۱۵}

۳- مـوـسـیـ(ع): «ثـمـ بـعـثـنـاـ مـنـ بـقـدـهـمـ مـوـسـیـ بـیـاـتـنـاـ إـلـىـ فـرـعـوـنـ وـمـائـهـ فـظـلـلـمـوـاـ بـهـ فـانـظـرـ کـیـفـ کـانـ عـاقـیـةـ الـمـفـسـدـیـنـ، وـقـالـ إـلـىـ مـوـسـیـ يـاـ فـرـعـوـنـ إـنـسـیـ رـسـوـلـ مـنـ رـبـ الـعـالـمـیـنـ. حـقـیـقـ عـلـیـ اـنـ لـاـقـولـ عـلـیـهـ إـلـاـ الـحـقـقـ قـدـ جـتـکـمـ بـیـتـهـ مـنـ رـبـکـمـ فـأـرـسـلـ مـعـیـ بـیـ اـسـرـائـیـلـ: سـپـسـ بـهـ دـنـبـالـ آـنـهـاـ (ایـمـبرـانـ پـیـشـینـ) مـوـسـیـ رـاـبـاـ آـیـاتـ خـوـیـشـ بـهـ سـوـیـ فـرـعـوـنـ وـ اـطـرـافـیـانـ اوـ فـرـسـتـادـیـمـ؛ اـمـاـ آـنـهـاـ (بـاـ عـدـمـ پـذـیرـشـ)، بـهـ آـنـ (آـیـاتـ) ظـلـمـ کـرـدـنـ، بـیـنـ عـاقـبـتـ مـفـسـدـانـ چـگـونـهـ بـودـ، وـ مـوـسـیـ گـفـتـ: «إـیـ فـرـعـوـنـ! مـنـ فـرـسـتـادـهـاـیـ اـزـ سـوـیـ پـرـوـرـدـگـارـ جـهـاـنـیـانـ، سـزاـوارـ اـسـتـ



پیروی مکن: «وَ لَا تَقْفَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ». ^۶ بر همین اساس است که از همگان می‌خواهد تماز سخن استوار و منطقی استفاده کنند. این واژه در قرآن با جمله «قُولًا سَدِيدًا» ذکر شده است.^۷

خداوند متحال در قرآن کریم، پیامبر خود را به برگزاری جلسات گفت و گوی تقریبی مامور کرده و از او خواسته است تا با اهل کتاب در مورد مشترکات اعتقادی به گفت و گو ینشیند: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلْمَةٍ سَوَاءٌ يَئِسَّنَّا وَيَئِنَّكُمْ أَلْتَعَبُدُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تُنَشِّرُكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا تَنْجُذُ بَعْضًا بَعْضًا إِنَّمَا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

۱۱۹-آل عمران، ۳۹	بی نوشته‌ها:
۴۰-هود، ۱۱۳	۱-نساء، ۹۰
۴۱-آل عمران، ۱۴۶	۲-توبه، ۱۲
۴۲-آل عمران، ۱۳۹	۳-انفال، ۶۱
۴۳-نساء، ۱۰۴	۴-نساء، آیه ۱۴۱
۴۴-انفال، ۶۵-۶۶	۵-مائده، ۵۷
۴۵-آل عمران، ۱۴۰	۶-انفال، ۷۳
۴۶-انعام، ۱۵۲	۷-آل عمران، ۱۱۸
۴۷-رعد، ۸۰	۸-نساء، آیه ۱۳۹
۴۸-مائده، ۱	۹-مناقفون، ۸
۴۹-توبه، ۱۱۱	۱۰-مائده، ۵۴
۵۰-بقره، ۱۷۷	۱۱-توبه، ۱۲۸
۵۱-اسراء، ۳۴	۱۲-احزاب، ۴۵ و ۴۶
۵۲-معارج، ۳۲	۱۳-بقره، ۱۵۱
۵۳-بقره، ۸۰	۱۴-نساء، ۱۶۵
۵۴-صف، ۳۲ و ۵۴	۱۵-اسراء، ۱۵
۵۵-انفال، ۵۶	۱۶-بقره، ۱۲۰
۵۶-توبه، ۱۲	۱۷-بقره، ۲۰۸
۵۷-توبه، ۱۳	۱۸-انفال، ۶۱
۵۸-توبه، ۷	۱۹-توبه، ۹
۵۹-محمد، ۲۰	۲۰-محمد، ۳۵
۶۰-توبه، ۴	۲۱-طبقات الکبری، ج ۲، ص ۹۷
۶۱-عنکبوت، ۴۶	۲۲-فتح، ۱
۶۲-هود، ۲۶ و ۲۵	۲۳-فتح، ۱۸ و ۱۹
۶۳-هود، ۶۱ تا ۶۳	۲۴-فتح، ۲۵
۶۴-اعراف، ۱۰۵ تا ۱۰۶	۲۵-فتح، ۲۴
۶۵-یوسف، ۳۰ و ۴۰	۲۶-فتح، ۴
۶۶-نحل، ۱۲۵	۲۷-فتح، ۵
۶۷-ط، ۲۰	۲۸-فتح، ۲
۶۸-بقره، ۲۵۸	۲۹-حج، ۳۹
۶۹-نحل، ۱۲۵	۳۰-بقره، ۱۹۰
۷۰-عنکبوت، ۴۶	۳۱-توبه، ۷۳
۷۱-بقره، ۲۵۸	۳۲-انفال، ۳۹
۷۲-انیل و ۷۳	۳۳-توبه، ۱۲۲
۷۳-انعام، ۱۲۱	۳۴-توبه، ۴۱
۷۴-فرقان، ۶۳	۳۵-هود، ۱۱۳
۷۵-نجم، ۲۸	۳۶-نساء، ۱۴۴
۷۶-اسراء، ۳۶	۳۷-آل عمران، ۴۹
۷۷-نساء، ۹ و احزاب، ۷۰	۳۸-آل عمران، ۱۰۰

هدایت یافگان دانسته است.^۸ و لاتجادلوا اهل الكتاب الـ بالـتـی هـی اـحسن: با اـهل کـتاب جـز بـه روـشـی کـه اـز هـمـه نـیـکـوتـر است مجـادـله نـکـنـید.^۹

۴-استفاده معکوس از مدعیات مخالفان: یکی از شیوه‌های مناظره با دیگران، استفاده معکوس از مدعیات آنان برای اثبات حقیقت خود است. این شیوه خود از طریق صورت می‌پذیرد؛ نخست این که با شاهدآوردن از اعتقدات آنان، این شاهد را به حریه‌ای ضد خودشان تبدیل می‌کند. برای نمونه، حضرت ابراهیم در مناظره با نمرود از همان خدای خیالی او سخن به میان می‌آورد و از او خواهد تا از خدایش بخواهد خورشید را از مغرب بیاورد و به این طریق او را میهوش کند: «...قَالَ إِبْرَاهِيمَ قَلَّا إِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأَتَ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبِهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». ^{۱۰} این پیامبر همچنین وقتی از زبان بتپرسستان می‌شنود که بت‌هایشان، سخن نمی‌گویند، از همین اعتراف آنان استفاده می‌کند و بتهای بی‌زمان را مستحق عبادت نمی‌داند: قَالَ أَفَتَبْدِلُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَنْعَكِمْ شَيْئًا وَلَا يَنْعَكِمْ أَفَ لِكُمْ وَلَمَا تَبْدِلُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ: (ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرسید که نه کمترین سودی برای شماداره و نه زیانی به شما می‌رساند! (نه امیدی به سودشان دارید) و نه ترسی از زیانشان! اف بر شما و بر آن چه جز خدا می‌پرسیدا آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)!^{۱۱}

۵-پرهیز از مجادله‌های بی‌ثمر: یکی دیگر از اصول گفت و گو و مناظره، پرهیز از مجادله‌های بی‌ثمر است. قرآن بر این نکته تاکید می‌کند و مجادله با دوستان شیاطین را موجب همانندی با آنان می‌داند: وَ لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكُرْ أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَا هُنَّ لَفِسْقٌ وَلَا الشَّيَاطِينَ يَأْتُونَ إِلَيْهِنَّ لِيَحَادِلُوكُمْ وَلَا هُنَّ أَطْعَمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُسْرِكُونْ: وَ لَا زَانَ جَهَنَّمَ بَرَ آن بَرَدَه نَشَدَه، نَخْوِرِدَا این کار گناه است؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما هم شرک خواهید بود!^{۱۲} خداوند همچنین یکی از نشانه‌های عباد الرحمن را پرهیز از جمال‌های بی‌ثمر می‌داند: وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُوَنَا وَإِذَا خَاطَبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامٌ: بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (وسخنان نابخداگه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).^{۱۳}

۶-منطقی و مستند سخن گفتن: قرآن تاکید می‌کند که سخن غیرقطعی و همراه با ظن و شک نگویید: وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَبَعُونَ إِلَّا لَظَنٌ وَلَا لَظَنٌ لَا يَعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا: آن‌ها هرگز به این سخن داشتند، تنها از گمان پی‌ایه پیروی می‌کنند با این که «گمان» هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند!^{۱۴} و از چیزی که بدان علم نداری

